

نقش برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت دانشجویان از دیدگاه استادان و دانشجویان

■ علی نقی فقیهی^۱، سوسن بهرامی^۲، رضا جعفری هرندی^۳، سهراب عبدی زرین^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارزیابی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت دانشجویان از دیدگاه استادان و دانشجویان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ است. پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی و تحلیلی است. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان کارشناسی دختر و استادان زن دانشگاه قم در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ است که ۳۵۷ نفر از دانشجویان دختر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و ۱۵۲ نفر از استادان زن به روش نمونه‌گیری هدفمند جهت پژوهش انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه است که روایی و پایایی آن تأیید شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS-23 و با آزمون‌های t، ANOVA و LSD انجام شد که نتایج پژوهش نشان داد دانشجویان معتقد بودند نقش برنامه‌های فرهنگی در تربیت دانشجویان به میزان متوسط بوده است که این اثربخشی به ترتیب در تربیت اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی بیشتر از متوسط؛ در تربیت سیاسی به میزان متوسط و در تربیت فرهنگی هنری کمتر از متوسط بوده است. همچنین از دیدگاه استادان، نقش برنامه‌های فرهنگی دانشگاه در تربیت دانشجویان کمتر از متوسط بوده است که این اثربخشی به ترتیب در تربیت اعتقادی در حد متوسط؛ و در تربیت اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هنری کمتر از متوسط بوده است. برنامه‌ریزی فرهنگی ابزاری برای دستیابی به توسعه فرهنگی است که خود مهم‌ترین ابزار دستیابی به توسعه پایدار است. لازم است که برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها مرتبط با نیاز و علایق دانشجویان باشد تا میزان اثربخشی این برنامه‌ها افزایش یابد.

واژگان کلیدی

برنامه‌های فرهنگی، دانشگاه قم، تربیت، دانشجویان، استادان.

مقدمه

دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین ارکان تأثیرگذار بر فرهنگ و جلوه‌های رفتاری، مادی و معنوی آن هستند که علاوه بر رسالت علمی-آموزشی، بازتولید و غنی‌سازی مبانی فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی را بر عهده دارند. در واقع، آموزش عالی تسهیل‌کننده توسعه فرهنگی است و این کار با اشاعه و ترویج تفکر و بازآفرینی فرهنگ و به‌ویژه فرهنگ توسعه انجام می‌گیرد (دلبری و رضانی، ۱۳۹۴: ۴۴). فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای خاص هر جامعه است که حفظ و باور عمیق نسبت به آن نقش حیاتی و تعیین‌کننده در بالندگی و ثبات آن جامعه ایفا می‌کند (فرزانه و امیریان‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۴). امام خمینی (ره) در مورد اهمیت فرهنگ می‌فرماید:

فرهنگ اساس ملت است؛ اساس ملیت یک ملت است؛ اساس استقلال یک ملت است. فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر انحرافی در فرهنگ یک کشور پیدا شود... دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه می‌کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف می‌کشاند (رنجبران، ۱۳۹۴: ۳۸).

فرهنگ عبارت است از

مجموعه‌ای درهم‌تنیده از فرض‌های بنیادی، ارزش‌ها، جهت‌گیری‌های زندگی، خط‌مشی‌ها، رویه‌ها و قواعد رفتاری مشترک بین گروهی از مردم که هم رفتارها و هم تفسیرهای آن‌ها رفتار دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Spencer-Oatey, 2008).
ذکایی، طالبی و انتظار، ۱۳۹۶).

فرهنگ در تعریف کوهن^۱ عبارت است از: «دستاوردها، نهادها، عقاید و مجموعه‌ای از قواعد معاشرت و رفتارهای مرسوم که جامعه آن را برای بهره‌برداری از نیروهای بالقوه موجود در زیستگاه خاص خویش به کار می‌گیرد» (فاضل‌نیا، توکلی و تاجبخش، ۱۳۸۹: ۱۵۲). به نظر ادگار شاین^۲، «فرهنگ الگویی است از مفروضات بنیادین که گروهی خاص برای مقابله با مشکلات و سازگاری با محیط خارجی و دستیابی به یکپارچگی و انسجام داخلی ابداع یا ایجاد می‌کنند» این الگو در صورت کفایت، سودمندی و کارساز بودن اعتبار می‌یابد و در نتیجه به عنوان شیوه درست ادراک، پندار، تفکر، احساس و رفتار در مقابله با مشکلات به اعضای جدید آموخته می‌شود (قائدعلی و عاشوری، ۱۳۹۳: ۱۴۷). فرهنگ در بیشتر برداشت‌ها و تعریف‌ها، همانند یک سیستم پویا و درهم‌تنیده، بر موضوعاتی مانند خدا، ماوراءالطبیعه، تاریخ، انسان، جامعه، طبیعت، ارزش‌ها و... ناظر است که عناصر آن با یکدیگر در تعامل اند (سلیمی و صالحی امیری، ۱۳۹۳: ۶۱). چهار مؤلفه برای فرهنگ در نظر گرفته شده است: مؤلفه نمادین (سمبل‌ها و زبان‌ها)، مؤلفه هنجاری (هنجارها، آداب و رسوم، عرف، تابوها، کنترل اجتماعی یا مجازات‌های منفی

1. Cohen

2. Edgar H. Schein

و مثبت)، مؤلفه شناختی (افکار، نگرش‌ها، ارزش‌ها، اعتقادات و دانش) و مؤلفه مادی (مثل مصنوعات و اشیای فیزیکی) (قائدعلی و جوان آراسته، ۱۳۹۴). برنامه‌ریزی فرهنگی ابزاری برای دستیابی جامعه به عدالت فرهنگی و تقسیم عادلانه سرمایه‌های فرهنگی است. برنامه‌ریزی فرهنگی فرایند مستمری است که مشارکت تمام فعالان اجتماعی را می‌طلبد. برنامه‌ریزی فرهنگی باید شرایط مناسبی را برای مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های غیررسمی، که محل پرورش تجارب و ابتکارات است، فراهم آورد. هدف برنامه‌ریزی فرهنگی تخصیص منابع، ایجاد تأسیسات و سازمان‌دهی اداری برای امور فرهنگی است. برنامه‌ریزی فرهنگی ابزاری برای دستیابی به هدفی عالی به نام توسعه فرهنگی است که مهم‌ترین ابزار دستیابی به توسعه پایدار است (رشیدی، میرشاه جعفری و شریف خلیفه سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۰۱).

بدین ترتیب، واژه فرهنگ واژه‌ای بسیار پیچیده است، به‌گونه‌ای که هنگام بحث از فرهنگ، مجموعه‌ای از عناصر گوناگون اجتماعی و اعتقادی در کنار هم مورد بررسی قرار می‌گیرند. انقلاب اسلامی دارای مبانی فرهنگی و با هدف تحول فرهنگی شکل گرفته و ماهیت آن کاملاً متکی به یک نظام فرهنگی است. برخی از متخصصان چهارده اصل اساسی را در برنامه‌ریزی فرهنگی مشخص کرده‌اند که توجه به آن‌ها می‌تواند تأثیرگذاری برنامه‌ها را تا حد زیادی تضمین کند. این اصول شامل تغییر ظاهر، تحول باطن، مداومت و محافظت بر عمل، اصلاح شرایط، احساس مسئولیت، آراستگی، فضل، عدل، عزت، تعقل، تذکر، مسامحه، ابراز یا منع محبت، و سبقت هستند. برنامه‌ریزی فرهنگی در درون نظام فرهنگی باید از نظر افق زمانی به صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت؛ و از نظر سطح به سطوح عالی، میانی و عملیاتی؛ و از نظر طیف مخاطبان به شکل عام و خاص؛ و از لحاظ تأثیرگذاری به شکل عادی و راهبردی؛ و از جایگاه قلمرو به صورت منطقه‌ای، ملی و جهانی طراحی شود (فرزانه و امیرپیان زاده، ۱۳۹۵).

فعالیت‌های فرهنگی مجموعه تلاش‌هایی است که در جهت دستیابی به اهداف ساخت‌های نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران در مناطق آموزشی خارج از برنامه درسی رسمی صورت می‌گیرد. این فعالیت‌ها برای تقویت تعامل هرچه بیشتر استاد و دانشجو، ترویج فرهنگ دینی، ایجاد نشاط و خودباوری، سامان بخشیدن به تلاش‌های خودانگیخته و تقویت مسئولیت‌پذیری و رفتار اخلاقی در دانشجویان صورت می‌گیرد (توسلی و تقی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۶). یونسکو تربیت را این‌چنین تعریف می‌کند: «تربیت تغییر بدنی و روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و سیاسی به صورت همه‌جانبه، متداوم، هدف‌دار، مسئولانه و متعهدانه است» (صافی، ۱۳۹۳: ۲). تربیت فرایندی مستمر و پیوسته به منظور ترکیه و تهذیب افراد، آموزش آن‌ها و پرورش استعداد‌های آن‌هاست برای رسیدن به هدف کمال نهایی که این نهایت در جهان بینی و مکتب الهی همان قرب الهی است (کرشی، ده‌پناه و حیدری، ۱۳۹۵: ۲).

فعالیت‌های فرهنگی فعالیت‌هایی هستند که هدف آن‌ها تغییر، تقویت و یا توسعه

ارزش‌ها، بینش‌ها و دانش‌ها (اطلاعات) و روابط اجتماعی جامعه است. این فعالیت‌های فرهنگی را می‌توان در چند حوزه طبقه‌بندی کرد:

- فعالیت‌های مذهبی: گرایش انسان به امر مقدس و ماورایی او را به فعالیت دینی سوق می‌دهد. بخش مهمی از فعالیت‌های دینی در عرصه رفتاری تجلی پیدا می‌کند. انجام اعمال مذهبی و شرکت در مجامع مذهبی (اعم از مولودی، عزاداری، شرکت در مجالس سخنرانی دینی، شرکت در جلسات دعا و ذکر، رفتن به جلسات قرآنی، شرکت در نماز جماعت و زیارتگاه‌ها، خواندن قرآن و شرکت در مراسم اعتکاف) در زمره این فعالیت‌ها هستند.

- فعالیت‌های اجتماعی: گرایش به غیر و حس نوع‌دوستی و ضروریات زندگی انسان را به فعالیت اجتماعی متمایل می‌کند. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی از طریق عضویت و فعالیت در مجامعی همچون انجمن‌های علمی فرهنگی و بسیج؛ معاشرت با اقوام و خویشان، همسایگان، دوستان و همکاران از نمونه فعالیت‌های اجتماعی هستند.

- فعالیت‌های ورزشی: انجام حرکات جسمانی به صورت فردی و یا اجتماعی با هدف تقویت یا بازتولید انرژی از دست‌رفته در زمره فعالیت‌های ورزشی است.

- فعالیت‌های تفریحی: هر گونه فعالیت جسمی و ذهنی به منظور دستیابی به آرامش خاطر و سرگرم شدن در زمان اوقات فراغت فرد از نمونه فعالیت‌های تفریحی محسوب می‌شود.

- فعالیت‌های هنری: منظور از فعالیت‌های هنری اقدامات و فعالیت‌هایی است که تخیل و تجسم هسته اصلی آن است. محصول این نوع فعالیت پرورش استعدادهاست.

- فعالیت‌های رسانه‌ای: فعالیت‌هایی که در زمینه شرکت در تهیه برنامه‌های صوتی، تصویری و نوشتاری همگانی نظیر رادیو، تلویزیون، مطبوعات، کتاب، سینما، تئاتر و بهره‌برداری از خدمات ارائه شده توسط ابزار و وسایل مذکور انجام می‌شوند (قائدعلی و عاشوری، ۱۳۹۳: ۱۴۹).

برنامه‌ریزی فرهنگی تلاشی برای تغییر آگاهانه در زمینه بینش‌ها، احساسات، ارزش‌ها، اندیشه‌ها، عقاید و سلوک نسبتاً پایدار جامعه، مطابق خواست و الگوی ذهنی برنامه‌ریز، است. موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی کلان انسان است؛ یعنی موجودی آگاه و فعال که به هر نوع تحریک واکنش نشان می‌دهد. بدین ترتیب پرداختن به برنامه‌ریزی فرهنگی در هر جامعه نیازمند شناخت دقیق و ظریف شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی است که در فرهنگ ملی، بومی و اسلامی نهفته‌اند و از آنجایی که فرهنگ در هر بخشی از زندگی فردی و اجتماعی جاری است؛ از این رو، مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش در مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی شناخت فرهنگ، اقوام، مردم‌شناسی و... است؛ زیرا، در جهان رقابتی امروز، کشورهایی که برای فرهنگ خود هدف و برنامه‌ای نداشته باشند به دست دیگر فرهنگ‌ها کنار گذاشته خواهند شد (بهرامی، ۱۳۹۹). در این راستا، دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادی تأثیرگذار بر فرهنگ، بازتولید، غنی‌سازی مبانی فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی از نقشی ویژه برخوردارند. از این رو، ارزیابی

برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت دانشجویان از دیدگاه استادان و دانشجویان به‌عنوان ارکان اصلی پژوهش از اهمیت خاصی برخوردار است.

پیشینه پژوهش

از آنجاکه در اهداف غایی نظام آموزشی کشور تربیت نیروی انسانی کارآمد مورد توجه است، در فعالیت‌های فرهنگی نیز این هدف مورد توجه بوده و مقوله‌هایی چون احراز هویت دینی و ایرانی، انتقال میراث فرهنگی، مسئولیت‌پذیری، جامعه‌پذیری، تعاون و مشارکت مورد توجه است. به همین دلیل در فعالیت‌های فرهنگی تأسیس کانون‌ها، انجمن‌ها، اجرای انواع مسابقات، برگزاری اردوها و بازدیدها و مشارکت در شبکه اجتماعی در دستور کار بوده است (دادوند، ۱۳۹۴).

از جمله اهداف برنامه‌ریزی فرهنگی در محیط‌های دانشگاهی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. کوشش برای بهبود کیفیت و کارایی آموزش رسمی دانشگاهی و نوآوری در آموزش‌های غیررسمی و تقویت استانداردهای رفتاری و تربیتی صحیح در بین دانشجویان؛ ۲. کمک به فرایندهای آموزشی و پژوهشی در تربیت نسل آینده؛ ۳. بسط و گسترش فرهنگ علمی با هدف تقویت روحیه پژوهشگری و تفکر و افزایش نقش آگاهانه فراگیران در تولید دانش و گفت‌وگوی علمی؛ ۴. فراهم آوردن زمینه‌های رشد و پرورش خلاقیت‌ها، قابلیت‌ها و استعداد‌های انسانی و آگاهی‌های فکری، اجتماعی و سیاسی؛ ۵. کمک به نظام آموزشی برای ایجاد و تقویت توانایی‌های فکری و ذهنی و مهارت‌های اجتماعی فراگیران و آماده کردن آنان برای زندگی در جامعه رو به تغییر و چندفرهنگی آینده؛ ۶. فراهم آوردن زمینه برای مطالعه گسترده فرهنگی و اجتماعی و ارتقای سطح تحلیل فراگیران با تأکید بر دیدگاه‌های میان‌رشته‌ای و کاربرد دانش رسمی و آموزشی جهت یادگیری و مهارت‌آموزی؛ و ۷. گسترش مشارکت دانشگاهیان در حیات فرهنگی و ترویج همکاری‌های علمی و بین‌المللی فرهنگی (فرزانه و امیریان‌زاده، ۱۳۹۵).

رشیدی و همکاران (۱۳۸۴) در بررسی روند برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌های دولتی اصفهان طی برنامه دوم و سوم توسعه کشور نشان دادند که میان مؤلفه‌های شاخص‌های کیفی در برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی تفاوت چندانی وجود ندارد؛ ولی در خصوص شاخص‌های کمی، میان دو برنامه تفاوت اساسی مشاهده می‌شود. میان عملکرد مجریان فرهنگی در برنامه دوم نیز تفاوت چندانی وجود ندارد، ولی در برنامه سوم بیشترین تفاوت میان عملکرد اداره کل امور فرهنگی و جهاد دانشگاهی با مجریان دیگر فعالیت‌های فرهنگی مشاهده شد.

هاشم‌زهی، میرزا و رشتیانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی دانشگاه (مقایسه دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق با دانشگاه شهید بهشتی تهران)» نشان دادند که هرچه میزان گرایش به فرهنگ غرب بیشتر باشد میزان گرایش به برنامه‌های فرهنگی دانشگاه کمتر است. دانشجویان دانشگاه واحد تهران شرق در مقایسه

با دانشگاه شهید بهشتی ارزیابی مثبت تری از میزان تطابق برنامه‌های فرهنگی دانشگاه با نیازهای خود داشتند. بابایی، رشیدی و علیزاده (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی بومی جهت سنجش اثربخشی در سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی» انجام دادند. نتایج حاکی از آن بود که با تعیین وضعیت موجود و ارزیابی اثربخشی از دیدگاه مدیران سازمان مورد مطالعه، میزان انحرافات وضع موجود در هریک از مؤلفه‌های مؤثر بر سنجش اثربخشی با وضع مطلوب تعیین شود و متناسب با موقعیت سازمان مزبور در پرداختن به هریک از مؤلفه‌ها، راهبردهای پیشنهادی ارائه شود. منافی شرف‌آباد و زمانی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «نقش نظام آموزش عالی در مهندسی فرهنگی جامعه» انجام دادند. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که مراکز آموزش عالی کشور به عنوان اجتماع اندیشمندان، دانش پژوهان، متخصصان و نخبگان می‌تواند در نوآوری، سازگاری با محیط، تحولات اجتماعی، هماهنگی با نیازهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، برنامه‌ریزی، مدیریت و رهبری تحولات اجتماعی فرهنگی و به‌طور کلی، ایفای رسالت فرهنگی جامعه (انتقال و توسعه فرهنگی) در راستای مهندسی فرهنگی جامعه منطبق با هویت اسلامی ایرانی نقش مؤثری ایفا کند.

صالح عمران و صفار حیدری (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه مازندران نسبت به فعالیت‌های فرهنگی و هنری و میزان مشارکت آن‌ها در این فعالیت‌ها» انجام دادند. نتایج به‌دست آمده نشان داد که بین دو دانشکده هنر و معماری و علوم انسانی از لحاظ میزان رشد و ارتقای خلاقیت‌های هنری دانشجویان با توجه به شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری تفاوت معناداری وجود دارد، در حالی که بین دو گروه هنر و معماری و فنی مهندسی و همین‌طور فنی مهندسی و علوم انسانی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین، از بین این دانشکده‌ها، دانشکده علوم انسانی کمترین میزان رشد و خلاقیت علمی و فرهنگی (۳/۲۳) و دانشکده هنر و معماری بیشترین میزان رشد و خلاقیت علمی و فرهنگی (۳/۴۷) را داشتند. در مورد دو مقوله میزان ارتقای سطح مشارکت و همکاری‌های جمعی و میزان سامان بخشیدن به خواسته‌ها و تلاش‌های فردی بین سه دانشکده تفاوتی مشاهده نشد؛ به این معنا که این سه دانشکده در میزان ارتقای سطح مشارکت و همکاری‌های جمعی و همچنین میزان سازمان‌دهی به خواسته‌ها و تلاش‌های فردی یکسان بودند.

همچنین، دادوند (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی از دیدگاه دانشجویان آموزشکده فنی و حرفه‌ای امیرکبیر اراک» انجام داد. یافته‌ها نشان داد که فعالیت‌های فرهنگی در آموزه‌های دینی و مذهبی دانشجویان تأثیر مثبت داشت و این اثربخشی در سطح زیاد و خیلی زیاد از سوی دانشجویان ارزیابی شده بود. به زعم محمدی وفا و باقری (۱۳۹۴)، برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی می‌تواند در افزایش نظام‌مندی عرصه‌های نرم‌افزاری جامعه نقش کلیدی ایفا کند. این امر می‌تواند بسترسازی فرهنگی مناسبی را

برای عرصه‌های سخت افزاری جامعه مانند سیاست و اقتصاد فراهم کند و با تکامل فرهنگ در جامعه، تمامی بخش‌های آن در مسیر پیشرفت قرار می‌گیرد. توسلی و تقی‌پور (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر در جهت بهبود فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه شهید مطهری واحد تهران» انجام دادند. مقایسه میانگین رتبه‌بندی تأثیر عوامل فرهنگی شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارها بر فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه حاکی از آن بود که بیشترین تأثیر مربوط به بُعد باورها و کمترین آن مربوط به بُعد هنجارها بوده است.

اعلایی بوسجن و بشیری گیوی (۱۳۹۶)، در بررسی نقش توسعه برنامه‌های فرهنگی اجتماعی دانشگاه پیام‌نور بر نشاط اجتماعی دانشجویان، تأثیر متغیرهای مستقل جنسیت، تأهل، سن، توسعه فرهنگی اجتماعی دانشگاه، و پایگاه اجتماعی بر نشاط اجتماعی در دانشجویان را بررسی کردند که سن، جنسیت، پایگاه اقتصادی اجتماعی، عملکرد فرهنگی، عملکرد اجتماعی همبستگی بالایی با نشاط اجتماعی دانشجویان داشت. فرزانه و امیریان زاده (۱۳۹۵) در بررسی میزان اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی فارس از دیدگاه دانشجویان نشان دادند که تأثیرگذاری برنامه‌های فرهنگی بخش‌های فوق برنامه‌های فرهنگی از دیدگاه دانشجویان پایین‌تر از سطح قابل قبول ارزیابی شده بود و تفاوتی معنادار بین عملکرد برنامه‌های فرهنگی از دیدگاه دانشجویان دختر و پسر وجود نداشت و فقط دانشجویان رشته پزشکی عملکرد برنامه‌های کانون قرآن و عترت را بالاتر از حد متوسط ارزیابی کرده بودند.

به زعم دویت^۱ (۲۰۰۲)، مهم‌ترین کارکرد بین‌المللی شدن آموزش عالی از نظر فرهنگی گسترش ارزش‌ها، اصول و معانی بین‌المللی است. استفاده از مبادلات دانشگاهی برای توسعه فرهنگ ملی از اهمیت و اولویتی ویژه برخوردار است. او بر این نکته تأکید می‌کند که دانشگاه‌ها نهادهایی برای پیوند بیشتر فرهنگ‌ها و ملت‌ها با یکدیگر هستند. پژوهشی با عنوان «بررسی خیابانی بر روی نوجوانان: آگاهی و شرکت در برنامه‌های هنر و فرهنگ» از سوی مرکز ارتباطات عمومی در شهر دوبلین^۲ (۲۰۰۴) بر روی ۵۶۱ نوجوان دختر و پسر (۱۶.۲۰ ساله) در نقاط مختلف انجام شد. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که با افزایش آگاهی، انگیزه آنان برای شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری افزایش می‌یابد. کلاک و مارتین^۳ (۲۰۰۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر برنامه‌های فرهنگی در دانشگاه بر درک تفاوت‌های فرهنگی و مشارکت‌ها در دانشجویان در دانشگاه میامی^۴ پرداختند. نتایج پژوهش آنان بیانگر این موضوع بود که برنامه‌های فرهنگی در دانشگاه می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد درک متقابل از فرهنگ‌های مختلف برای دانشجویان داشته باشد و باعث افزایش روحیه مشارکت در

1. De Wit

2. Dublin

3. Klak & Martin

4. Miami University

آنان شود؛ همچنین جلسات مختلفی که در این کانون‌ها بین اعضا و شرکت‌کنندگان صورت می‌گرفت یکی دیگر از عوامل افزایش مشارکت در دانشجویان شده بود، چرا که دانشجویان در این جلسات به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند و در مورد مسائل مختلف بارها و بارها بحث می‌کردند تا به توافق جمعی در مورد آن موضوع برسند.

رسالت برنامه‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها ایجاد تغییرات مثبت در سه حیطه دانش، نگرش و رفتار دانشجویان است. اینکه تا چه اندازه برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها در این زمینه موفق عمل کرده است و تا چه اندازه توانسته است در حیطه‌های سه‌گانه مذکور تأثیرگذار باشد مسئله‌ای است که نیاز به بررسی میدانی و پژوهش‌های کاربردی دارد، چرا که عوامل گوناگونی در اثربخشی برنامه‌های فرهنگی مؤثرند که باید مورد بررسی قرار گیرند (مذبوحی و ملکی، ۱۳۹۱). به صورت عینی‌تر، می‌توان ادعا کرد که فرهنگ با سبک زندگی افراد گره خورده است. با یک نگاه جامع، می‌توان گفت «سبک زندگی سیستم یکپارچه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، علایق، عقاید و رفتارهای مشهود افراد است» (Sathish & Rajmohan, 2012؛ ذکایی و همکاران، ۱۳۹۶). به زعم مایلز، اندرسون و متان^۲ (۲۰۰۲)، «سبک زندگی تظاهر بیرونی هویت افراد است». زیمل^۳، به عنوان نظریه‌پرداز فرهنگ و زندگی شهری، سبک زندگی را «رابطه بین فرهنگ عینی و ذهنی» تعریف می‌کند (عبدی زرین، ۱۳۹۷).

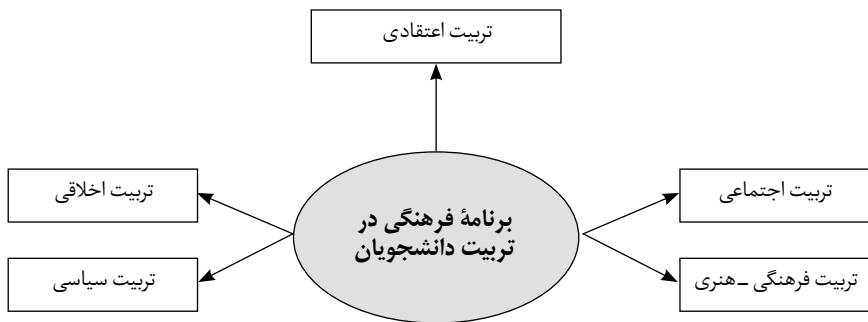
بخش مهمی از اهداف پژوهش متمرکز بر ابعاد اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی است که با توجه به چارچوب جامعه ایران که بُعد دینی در آن نقش مهمی دارد، انتظار می‌رود دانشگاه‌ها در این موارد برنامه‌ریزی کنند، چرا که این ابعاد با زندگی فردی و اجتماعی دانشجویان هم‌پوشانی دارد و متضمن سلامت فردی و اجتماعی‌شان خواهد بود. در همین زمینه، نتایج پژوهشی در دانشگاه قم نشان داد مقوله دینداری توانسته بود در شکل دادن هویت دانشجویان نقشی مثبت داشته باشد و از طرفی، دینداری در کاهش کج‌روی رفتاری دانشجویان هم نقش مثبتی داشته است (عبدی زرین، فقیهی و ضمیری، ۱۳۹۷). هویت دینی و هویت ملی دو بُعد بسیار مهم‌اند که انتظار می‌رود برنامه‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها با محوریت این دو پیش برود و تلاش شود تا در جوانان هویت اسلامی و ایرانی تقویت شود. در این زمینه پژوهشی با هدف بررسی تحولات هویت جوانان ایرانی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۴ صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد هویت مذهبی غالب‌ترین نوع هویت در این سال‌ها در جامعه جوانان ایرانی بوده است. پس از آن، هویت ملی بیشترین گسترش را در میان جوانان داشته است. هویت قومی و همچنین هویت مدرن در رده‌های بعدی قرار داشتند. همچنین، نتایج حاکی از همبستگی بین هویت ملی و هویت مذهبی در میان جوانان بوده است (فولادیان، رضایی بحرآباد و سوهانیان حقیقی، ۱۳۹۹).

1. lifestyle

2. Miles ., Anderson & Meethan

3. Simmel

یکی از کارکردهای مهم مدیریت فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی ارزیابی و نظارت بر امور و فرایندهاست. بدون شک زمانی که نیازی ایجاد می‌شود و هدفی شکل می‌گیرد و برای تحقق هدف برنامه‌ریزی می‌شود تا برنامه‌ها به اجرا درمی‌آیند، نظارت و ارزیابی ضامن انجام هرکدام از این مراحل است. چه بسیار برنامه‌های جامع و کلان که هدف‌هایی بزرگ و مهم را باید محقق سازند، ولی از آنجا که نظارت و ارزیابی به‌گونه‌ی دقیق اعمال نشده است، برنامه یادشده و هدف‌های آن بدون هیچ‌گونه تأثیرگذاری عملی عقیم مانده‌اند. جامعه‌ای که در تربیت نیروی انسانی و بهره‌گیری متناسب از آن کارآمدی لازم را نداشته باشد قادر به توسعه نیست و محققان توسعه برای این باورند که توسعه و تکامل اقتصادی جز با رشد ویژگی فرهنگی منابع انسانی محقق نمی‌شود (بهرامی، فقیهی و علیزاده، ۱۳۹۹: ۴۵). در این زمینه، دانشگاه‌ها، علاوه بر امر آموزش که رسالت اصلی آن است و آموزش‌های رسمی دانشگاه با محوریت آن صورت می‌گیرد، رسالت مهم دیگری هم وجود دارد که همانا تربیت شهروندی و نهادینه کردن فرهنگ جامعه در قشر جوان دانشجویان است که نیاز به برنامه‌ریزی دقیق‌تر و حتی آسیب‌شناسی در این حوزه وجود دارد؛ چرا که غفلت در این امر تبعات جبران‌ناپذیری خواهد داشت، به‌خصوص در دنیای امروزی که عصر ارتباطات و بیشتر هم از نوع ارتباطات مجازی است و انواع آموزش‌های گوناگون از این طریق اعمال می‌شود که آموزش‌های منفی و غیراخلاقی هم در آن‌ها کم نیست و با درک چنین شرایطی، به اهمیت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها بیشتر می‌توان پی برد. با توجه به مطالب مطرح شده، در مدل مفهومی پژوهش، نقش برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت دانشجویان در ابعاد تربیت اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی هنری در نظر گرفته شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

چنانچه در شکل ۱ نشان داده شده است، مدل مفهومی پژوهش حاضر ارزیابی میزان اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت دانشجویان در زمینه‌های اعتقادی،

اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هنری دانشجویان از دیدگاه استادان و دانشجویان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بوده است.

سؤال اصلی پژوهش

به چه میزان برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هنری دانشجویان تأثیر دارد؟

سؤال‌های فرعی پژوهش

۱. به چه میزان برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اعتقادی دانشجویان تأثیر دارد؟
۲. به چه میزان برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اخلاقی دانشجویان تأثیر دارد؟
۳. به چه میزان برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؟
۴. به چه میزان برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اجتماعی دانشجویان تأثیر دارد؟
۵. به چه میزان برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت فرهنگی هنری دانشجویان تأثیر دارد؟
۶. آیا بین دیدگاه‌های دانشجویان و استادان در مورد اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هنری دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها توصیفی از نوع تحلیلی است که به روش پیمایشی انجام شده است. به زعم کرسول^۱ (۲۰۱۷: ۱۲)، پیمایش توصیفی کمی درباره گرایش‌ها، نگرش‌ها، یا عقاید گروهی از مردم از طریق گزینش نمونه‌ای از آن گروه به دست می‌دهد. همچنین، به اعتقاد بابی^۲ (۲۰۲۰: ۲۵۳)، روش پیمایشی برای پاسخ‌گویی به مسائلی که در حوزه علوم اجتماعی مطرح می‌شوند بسیار مناسب است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی استادان زن و دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه قم در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بوده است. جهت پژوهش حاضر فقط از خانم‌ها استفاده شد، یعنی از استادان زن و دانشجویان دختر دانشگاه قم که به دلیل برخی از ملاحظات بوده است؛ از جمله اینکه، دانشگاه قم از جمله دانشگاه‌های معدود و اولین دانشگاه دولتی در ایران است که در آن واحدهای آموزشی بر اساس جنسیت تفکیک شده است که واحد آموزشی خانم‌ها و آقایان مستقل از هم

1. Creswell

2. Babbie

است و ساختمان آموزشی تفکیک شده و مستقل دارند و لذا برنامه‌های فرهنگی صورت گرفته در واحد آموزشی خانم‌ها متفاوت با برنامه‌های فرهنگی اجرا شده در واحد آقایان است. بنابراین پژوهشگران، برای کنترل برخی متغیرهای مداخله‌گر در نتایج پژوهش، متغیر جنسیت را کنترل کرده و فقط واحد آموزشی خانم‌ها را مورد مطالعه قرار دادند. چرا که در پژوهش‌های پیشین در دانشگاه قم، نتایج نشان داده بود که براساس جنسیت در بین دانشجویان دانشگاه قم تفاوت معنادار رویکردی و رفتاری وجود داشته است، از جمله در مقوله‌های دینداری و کج‌روی رفتاری (عبدی زرین و همکاران، ۱۳۹۷). روش نمونه‌گیری پژوهش برای استادان از طریق سرشماری ۱۵۲ نفر به صورت هدفمند بود و برای دانشجویان به صورت تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه آماری بود که برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و تعداد ۳۵۷ نفر از دانشجویان دختر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. جهت تهیه پرسش‌نامه، ابتدا پرسش‌نامه‌هایی که در پژوهش‌های پیشین مورد استفاده قرار گرفته بودند (مشکاتی، ۱۳۸۷؛ قائدعلی و عاشوری، ۱۳۹۳؛ صالح عمران و صفار حیدری، ۱۳۹۳) مورد مطالعه قرار گرفتند و در نهایت از طریق مقایسه سؤالات پرسش‌نامه‌ها و در نظر گرفتن موارد مشابه و متضاد، و نظرخواهی از استادان متخصص در این زمینه، پرسش‌نامه ۶۳ سؤالی در ۵ حوزه شامل حوزه‌های تربیت اعتقادی (۱۱ سؤال)، تربیت اخلاقی (۱۱ سؤال)، تربیت سیاسی (۱۵ سؤال)، تربیت اجتماعی (۱۵ سؤال) و تربیت فرهنگی هنری (۱۱ سؤال) در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شد. جهت سنجش روایی پرسش‌نامه، به غیر از روایی محتوایی و صوری، از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی نشان داد که مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری (KMO) برابر با ۰/۷۸ است. همچنین میزان مجذور خی آزمون کرویت بارنلت ۴۹/۴۹۳ بود، که با درجه آزادی ۳۵۴ در سطح ۰/۰۰۱ معنادار به دست آمد. این مقادیر حاکی از مناسب بودن داده‌هاست. از طرف دیگر، براساس نتایج تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار AMOS-23، مقادیر شاخص‌های CFI، PCFI، RMSEA، مجذور خی به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۵۸، ۰/۰۴۴، ۰/۰۸ بودند که نشان دهنده آن است که این پرسش‌نامه از شاخص‌های برازندگی مطلوبی برخوردار است. در ضمن، تمام گویه‌های این پرسش‌نامه بر روی عامل اصلی خود بار مثبت و معنادار در سطح ۰/۰۰۱ داشتند. میزان پایایی پرسش‌نامه با روش ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که آلفای کرونباخ برای حوزه‌های چندگانه پژوهش از آستانه ۰/۷ بالاتر و برای کل سؤالات پرسش‌نامه مقدار مناسب به دست آمد که حاکی از پایایی مناسب سؤالات پرسش‌نامه است و می‌توان ادعا کرد که این پرسش‌نامه از پایایی لازم برخوردار است. در جدول ۱ خلاصه‌ای از اجزای پرسش‌نامه و ضریب آلفای کرونباخ آن‌ها به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۱. پایایی پرسش نامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ

مؤلفه	نوع متغیر	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ (فرم دانشجویان)	آلفای کرونباخ (فرم استادان)	آلفای کرونباخ کل پرسش نامه
تربیت اعتقادی	مستقل	۱۱	۰/۸۰	۰/۷۶	فرم دانشجویان: ۰/۸۵ فرم استادان: ۰/۷۹
تربیت اخلاقی	مستقل	۱۱	۰/۸۵	۰/۷۸	
تربیت سیاسی	مستقل	۱۵	۰/۷۲	۰/۷۴	
تربیت اجتماعی	مستقل	۱۵	۰/۸۳	۰/۸۱	
تربیت فرهنگی-هنری	مستقل	۱۱	۰/۷۹	۰/۷۳	

ملاحظات اخلاقی

- توجه پاسخ‌گویان و کسب رضایت آگاهانه ایشان برای شرکت در پژوهش
- رعایت اصل بی طرفی و پرهیز از گرایش‌های خاص از سوی پژوهشگران و ذکر اطلاعاتی که ممکن است لزوماً با نظر پژوهشگران موافق نباشد.
- رعایت اصل صداقت هنگام تجزیه و تحلیل داده‌ها و عدم تحریف دستاوردها همسو با خواسته‌های پژوهشگران
- محرمانه نگهداشتن اطلاعات حاصل از پرسش نامه‌ها
- استفاده از اطلاعات فقط در راستای اهداف ازپیش تعیین شده پژوهشی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS⁽²³⁾ و در دو سطح آمار توصیفی (درصد، میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون T، ANOVA و LSD) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

- سؤال اصلی پژوهش: به چه میزان برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی-هنری دانشجویان تأثیر دارد؟

جدول ۲. ارزیابی پاسخ‌گویان در خصوص میزان اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه در تربیت دانشجویان (۳ = میانگین فرضی)

پاسخ‌گو	ارزیابی	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	T	Df	سطح معناداری
دانشجو	فراوانی	۴۸	۱۲۰	۷۸	۵۰	۳/۰۵	۰/۷۹۷	۱/۲۷۴	۳۵۶	۰/۲۰۴
	درصد	۱۳/۴	۱۷/۱	۳۳/۶	۲۱/۸	۱۴				
استاد	فراوانی	۲۹	۴۸	۲۵	۴	۲/۵۴	۰/۵۹۰	-۹/۵۵۶	۳۵۶	۰/۰۰۰۵
	درصد	۱۹/۱	۳۱/۶	۱۶/۴	۲/۶					

یافته‌های توصیفی جدول ۲ نشان داد، از میان پاسخ‌گویان دانشجو، ۳۰/۵ درصدشان تأثیرگذاری برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت دانشجویان را به میزان کم و خیلی کم، ۳۳/۶ درصدشان متوسط، و ۳۵/۸ درصد ایشان زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. همچنین، ۴۹/۴ درصد استادان میزان تأثیرگذاری این برنامه‌ها را کم و خیلی کم، ۳۱/۶ درصد ایشان متوسط و ۱۹ درصدشان به میزان زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

یافته‌های استنباطی جدول ۲ نشان داد در دانشجویان مقدار سطح معناداری برابر ۰/۲۰۴ است و چون این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا تفاوت مشاهده‌شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. به عبارت دیگر، دانشجویان معتقدند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت دانشجویان به میزان متوسط تأثیر دارد. همچنین، در استادان مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰۵ است و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۱ است، لذا تفاوت مشاهده‌شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، استادان معتقدند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت دانشجویان به میزان کمتر از متوسط تأثیر دارد.

- سؤال فرعی ۱: به چه میزان برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اعتقادی دانشجویان تأثیر دارد؟

جدول ۳. ارزیابی پاسخ‌گویان در خصوص اثربخشی برنامه‌های فرهنگی در تربیت اعتقادی دانشجویان (۳ = میانگین فرضی)

پاسخ‌گو	ارزیابی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	T	Df	سطح معناداری
دانشجو	فراوانی	۳۰	۵۷	۱۳۶	۸۶	۴۸	۳/۱۸	۰/۷۶۹	۴/۴۷۳	۳۵۶	۰/۰۰۰۵
	درصد	۸/۴	۱۶	۳۸/۱	۲۴/۱	۱۳/۴					
استاد	فراوانی	۱۰	۳۴	۶۳	۳۵	۱۰	۳/۰۲	۰/۷۵۱	۰/۲۹۷	۱۵۱	۰/۷۶۷
	درصد	۶/۶	۲۲/۴	۴۱/۴	۲۳	۶/۶					

یافته‌های توصیفی جدول ۳ نشان داد، از میان پاسخ‌گویان دانشجو، ۲۴/۴ درصدشان تأثیرگذاری برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اعتقادی دانشجویان را به میزان کم و خیلی کم، ۳۸/۱ درصدشان متوسط، و ۳۷/۵ درصد ایشان زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. همچنین، ۲۹ درصد استادان میزان تأثیرگذاری این برنامه‌ها را کم و خیلی کم، ۴۱/۴ درصد ایشان متوسط و ۲۹/۶ درصدشان زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

یافته‌های استنباطی جدول ۳ نشان داد در دانشجویان مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰۵ است و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۱ است، لذا تفاوت مشاهده‌شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، دانشجویان معتقدند برنامه‌های

فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اعتقادی دانشجویان به میزان بیشتر از متوسط تأثیر دارد. همچنین، در استادان مقدار سطح معناداری برابر ۰/۷۶۷ است و چون این مقدار بزرگتر از ۰/۰۵ است، لذا تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. به عبارت دیگر، استادان معتقدند برنامه های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اعتقادی دانشجویان به میزان متوسط تأثیر دارد.

- سؤال فرعی ۲: به چه میزان برنامه های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اخلاقی دانشجویان تأثیر دارد؟

جدول ۴. ارزیابی پاسخ گویان در خصوص اثربخشی برنامه های فرهنگی در تربیت اخلاقی دانشجویان (۳) = میانگین فرضی

پاسخ گو	ارزیابی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	T	Df	سطح معناداری
دانشجو	فراوانی	۴۳	۵۹	۱۱۹	۸۱	۵۵	۳/۱۳	۰/۸۸۹	۲/۷۴۹	۳۵۶	۰/۰۰۶
	درصد	۱۲	۱۶/۵	۳۳/۳	۲۲/۷	۱۵/۴					
استاد	فراوانی	۲۸	۶۰	۴۸	۱۴	۲	۲/۳۶	۰/۶۸۲	-۱۱/۶۵۹	۱۵۱	۰/۰۰۵
	درصد	۱۸/۴	۳۹/۵	۳۱/۶	۹/۲	۱/۳					

یافته های توصیفی جدول ۴ نشان داد، از میان پاسخ گویان دانشجو، ۲۸/۵ درصدشان تأثیرگذاری برنامه های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اخلاقی دانشجویان را به میزان کم و خیلی کم، ۳۳/۳ درصدشان متوسط، و ۳۸/۱ درصد ایشان زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده اند. همچنین، ۵۷/۹ درصد استادان میزان تأثیرگذاری این برنامه ها را کم و خیلی کم، ۳۱/۶ درصد ایشان متوسط و ۱۰/۵ درصدشان زیاد و خیلی زیاد دانسته اند.

یافته های استنباطی جدول ۴ نشان داد در دانشجویان مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۶ است و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۱ است، لذا تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، دانشجویان معتقدند برنامه های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اخلاقی دانشجویان به میزان بیشتر از متوسط تأثیر دارد. همچنین، در استادان مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۵ است و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۱ است، لذا تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، استادان معتقدند برنامه های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اخلاقی دانشجویان به میزان کمتر از متوسط تأثیر دارد.

- سؤال فرعی ۳: به چه میزان برنامه های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؟

جدول ۵. ارزیابی پاسخ‌گویان در خصوص اثربخشی برنامه‌های فرهنگی در تربیت سیاسی دانشجویان
(۳ = میانگین فرضی)

پاسخ‌گو	ارزیابی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	T	Df	سطح معناداری
دانشجو	فراوانی	۵۱	۶۲	۱۱۸	۷۲	۵۴	۳/۰۴	۰/۹۱۱	۰/۹۱۴	۳۵۶	۰/۳۶۱
	درصد	۱۴/۳	۱۷/۴	۳۳/۱	۲۰/۲	۱۵/۱					
استاد	فراوانی	۱۸	۳۹	۵۱	۳۸	۶	۲/۸۴	۰/۸۲۳	-۲/۳۴۰	۱۵۱	۰/۰۲۱
	درصد	۱۱/۸	۲۵/۷	۳۳/۶	۲۵	۳/۹					

یافته‌های توصیفی جدول ۵ نشان داد، از میان پاسخ‌گویان دانشجو، ۳۱/۷ درصدشان تأثیرگذاری برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت سیاسی دانشجویان را به میزان کم و خیلی کم، ۳۳/۱ درصدشان متوسط، و ۳۵/۳ درصد ایشان زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. همچنین، ۳۷/۵ درصد استادان میزان تأثیرگذاری این برنامه‌ها را کم و خیلی کم، ۳۳/۶ درصد ایشان متوسط و ۲۸/۹ درصدشان زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

یافته‌های استنباطی جدول ۵ نشان داد در دانشجویان مقدار سطح معناداری برابر ۰/۳۶۱ است و چون این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا تفاوت مشاهده‌شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. به عبارت بهتر، دانشجویان معتقدند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت سیاسی دانشجویان به میزان متوسط تأثیر دارد. همچنین، در استادان مقدار سطح معناداری ۰/۰۲۱ است و چون کمتر از ۰/۰۵ است، لذا تفاوت مشاهده‌شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. به عبارت بهتر، استادان معتقدند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت سیاسی دانشجویان به میزان کمتر از متوسط تأثیر دارد.

- سؤال فرعی ۴: به چه میزان برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اجتماعی دانشجویان تأثیر دارد؟

جدول ۶. ارزیابی پاسخ‌گویان در خصوص اثربخشی برنامه‌های فرهنگی در تربیت اجتماعی دانشجویان
(۳ = میانگین فرضی)

پاسخ‌گو	ارزیابی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	T	Df	سطح معناداری
دانشجو	فراوانی	۴۶	۵۹	۱۱۰	۸۷	۵۵	۳/۱۳	۰/۸۹۰	۲/۷۴۵	۳۵۶	۰/۰۰۶
	درصد	۱۲/۹	۱۶/۵	۳۰/۸	۲۴/۴	۱۵/۴					
استاد	فراوانی	۳۱	۴۵	۴۶	۲۸	۲	۲/۵۱	۰/۷۷۴	-۷/۸۳۵	۱۵۱	۰/۰۰۰۵
	درصد	۲۰/۴	۲۹/۶	۳۰/۳	۱۸/۴	۱/۳					

یافته‌های توصیفی جدول ۶ نشان داد از میان پاسخ‌گویان دانشجو، ۲۹/۴ درصدشان تأثیرگذاری برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اجتماعی دانشجویان را به میزان کم و خیلی کم، ۳۰/۸ درصدشان متوسط، و ۳۹/۸ درصد ایشان زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. همچنین، ۵۰ درصد استادان میزان تأثیرگذاری این برنامه‌ها را کم و خیلی کم، ۳۰/۳ درصد ایشان متوسط و ۱۹/۷ درصدشان زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

یافته‌های استنباطی جدول ۶ نشان داد در دانشجویان مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۶ است و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۱ است، لذا تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، دانشجویان معتقدند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اجتماعی دانشجویان به میزان بیشتر از متوسط تأثیر دارد. همچنین، در استادان مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۵ است و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۱ است، لذا تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، استادان معتقدند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اجتماعی دانشجویان به میزان کمتر از متوسط تأثیر دارد.

سؤال فرعی ۵: به چه میزان برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت فرهنگی هنری دانشجویان تأثیر دارد؟

جدول ۷. ارزیابی پاسخ‌گویان در خصوص اثربخشی برنامه‌های فرهنگی در تربیت فرهنگی هنری دانشجویان (۳ = میانگین فرضی)

پاسخ‌گو	ارزیابی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	T	Df	سطح معناداری
دانشجو	فراوانی	۷۲	۷۲	۱۱۷	۶۲	۳۴	۲/۷۶	۱/۰۰۱	-۴/۵۳۳	۳۵۶	۰/۰۰۰۵
	درصد	۲۰/۲	۲۰/۲	۳۲/۸	۱۷/۴	۹/۵					
استاد	فراوانی	۵۸	۴۹	۳۳	۱۲	۰	۱/۹۹	۰/۷۱۹	-۱۷/۳۶۹	۱۵۱	۰/۰۰۰۵
	درصد	۳۸/۲	۳۲/۲	۲۱/۷	۷/۹	۰					

یافته‌های توصیفی جدول ۷ نشان داد، از میان پاسخ‌گویان دانشجو، ۴۰/۴ درصدشان تأثیرگذاری برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت فرهنگی هنری دانشجویان را به میزان کم و خیلی کم، ۳۲/۸ درصدشان متوسط، و ۲۶/۸۹ درصد ایشان زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. همچنین، ۷۰/۴ درصد استادان میزان تأثیرگذاری این برنامه‌ها را کم و خیلی کم، ۲۱/۷ درصد ایشان متوسط و ۷/۹ درصدشان زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

یافته‌های استنباطی جدول ۷ نشان داد در دانشجویان مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰۵ است و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۱ است، لذا تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، دانشجویان معتقدند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت فرهنگی هنری دانشجویان به میزان کمتر از متوسط تأثیر دارد. همچنین در استادان مقدار

نقش برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت دانشجویان از دیدگاه استادان و دانشجویان

سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰۵ است و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۱ است، لذا تفاوت مشاهده شده از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، استادان معتقدند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت فرهنگی هنری دانشجویان به میزان کمتر از متوسط (کم) تأثیر دارد. سؤال فرعی ۶: آیا بین دیدگاه‌های دانشجویان و استادان در مورد اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی-هنری دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد؟

به منظور دستیابی به پاسخ این سؤال و برای تحلیل استنباطی داده‌های پژوهش، ابتدا با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن توزیع نمره‌های به دست آمده مورد تأیید قرار گرفت و در ادامه برای این که متغیر پاسخ‌گو (استاد-دانشجو) دوارزشی است، از آزمون تی مستقل استفاده شد که نتایج در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. نتایج آزمون t مستقل برای تفاوت در دیدگاه استادان و دانشجویان در خصوص اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم

سؤال	پاسخ‌گو	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	T	Df	سطح معناداری
نقش برنامه‌های فرهنگی در تربیت دانشجویان	دانشجو	۳۵۷	۳/۰۵	۰/۷۹۷	۷/۱۲۲	۵۰۷	۰/۰۰۰۵
	استاد	۱۵۲	۲/۵۴	۰/۵۹۰			
نقش برنامه‌های فرهنگی در تربیت اعتقادی	دانشجو	۳۵۷	۳/۱۸	۰/۷۶۹	۲/۲۱۷	۵۰۷	۰/۰۲۷
	استاد	۱۵۲	۳/۰۲	۰/۷۵۱			
نقش برنامه‌های فرهنگی در تربیت اخلاقی	دانشجو	۳۵۷	۳/۱۳	۰/۸۸۹	۹/۵۹۷	۵۰۷	۰/۰۰۰۵
	استاد	۱۵۲	۲/۳۶	۰/۶۸۲			
نقش برنامه‌های فرهنگی در تربیت سیاسی	دانشجو	۳۵۷	۳/۰۴	۰/۹۱۱	۲/۳۳۵	۵۰۷	۰/۰۲۰
	استاد	۱۵۲	۲/۸۴	۰/۸۲۳			
نقش برنامه‌های فرهنگی در تربیت اجتماعی	دانشجو	۳۵۷	۳/۱۳	۰/۸۹۰	۷/۴۸۴	۵۰۷	۰/۰۰۰۵
	استاد	۱۵۲	۲/۵۱	۰/۷۷۴			
نقش برنامه‌های فرهنگی در تربیت فرهنگی-هنری	دانشجو	۳۵۷	۲/۷۶	۱/۰۰۱	۸/۶۱۹	۵۰۷	۰/۰۰۰۵
	استاد	۱۵۲	۱/۹۹	۰/۷۱۹			

مطابق نتایج جدول ۸، در تمام سؤال‌ها اختلاف مشاهده شده بین میانگین دانشجویان و استادان معنادار است، چرا که در این سؤال‌ها، مقدار سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و در نتیجه در تمام سؤال‌ها بین دیدگاه‌های دانشجویان و استادان تفاوت معناداری وجود دارد. شایان ذکر است که میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در تمام سؤال‌ها از استادان بیشتر است. به عبارت دیگر، دانشجویان نسبت به اثربخشی

برنامه‌های فرهنگی دانشگاه در تربیت دانشجویان در مقایسه با استادان دیدگاه‌های مثبت‌تری داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشجویان معتقدند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت آنان به میزان متوسط؛ همچنین در تربیت اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی بیشتر از متوسط؛ در تربیت سیاسی به میزان متوسط؛ و در تربیت فرهنگی هنری به میزان کمتر از متوسط تأثیر داشته است. از طرفی، استادان معتقدند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه قم در تربیت دانشجویان به میزان کمتر از متوسط؛ همچنین در تربیت اعتقادی آنان در حد متوسط؛ در تربیت اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هنری آنان به میزان کمتر از متوسط تأثیر داشته است.

یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش «نقش توسعه برنامه‌های فرهنگی اجتماعی دانشگاه پیام نور بر نشاط اجتماعی دانشجویان» (اعلایی بوسجن و بشیری گیوی، ۱۳۹۶) - که نشان داد سن، جنسیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، عملکرد فرهنگی و اجتماعی با نشاط اجتماعی دانشجویان همبستگی داشت - تا حدی همسوست. همچنین، پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش «تأثیرگذاری برنامه‌های فرهنگی بخش‌های سه‌گانه (فعالیت‌های کانون قرآن و عترت، ستاد اقامه نماز و فوق برنامه‌های فرهنگی)، که از دیدگاه دانشجویان پایین‌تر از حد قابل قبول ارزیابی شده بود و فقط دانشجویان رشته پزشکی عملکرد برنامه‌های کانون قرآن و عترت را بالاتر از حد نرمال ارزیابی کرده بودند (فرزانه و امیریان‌زاده، ۱۳۹۵)، همسوست.

همسو با نتایج پژوهش حاضر، می‌توان به پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه شیراز نسبت به برنامه‌های فرهنگی و هنری و عوامل مؤثر بر شرکت آن‌ها در این فعالیت‌ها» اشاره کرد که نشان داد میزان علاقه دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی و هنری نسبتاً زیاد است و این برنامه‌ها در حد نسبتاً زیادی ضرورت دارند (نیک‌کار، فرزین و احمدی لاری، ۱۳۸۴). همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش دادوند (۱۳۹۴)، که نشان داد فعالیت‌های فرهنگی در آموزه‌های دینی و مذهبی دانشجویان تأثیر مثبت داشته و در سطح زیاد و خیلی زیاد ارزیابی شده بود، و پژوهش توسلی و تقی‌پور (۱۳۹۵)، که با مقایسه میانگین رتبه‌بندی تأثیر عوامل فرهنگی دانشگاه نشان داد بیشترین تأثیر مربوط به بُعد باورها و کمترین آن مربوط به بُعد هنجارهاست، همسوست.

همسو با نتایج پژوهش حاضر، پژوهش دیگری نشان داد که دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق در مقایسه با دانشگاه شهید بهشتی ارزیابی مثبت‌تری از میزان تطابق برنامه‌های فرهنگی دانشگاه با نیازهای خود داشتند (هاشم زهی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین، همسو با نتایج پژوهش حاضر، پژوهشی نشان داد که میان مؤلفه‌های شاخص‌های کیفی در برنامه‌ریزی

فعالیت‌های فرهنگی طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه تفاوت‌چندانی وجود ندارد، ولی در خصوص شاخص‌های کمی، میان دو برنامه تفاوت اساسی مشاهده شد (رشیدی و همکاران، ۱۳۸۴). منافی شرف‌آباد و زمانی (۱۳۹۲) نیز نشان دادند که مراکز آموزش عالی کشور در نوآوری، سازگاری با محیط، تحولات اجتماعی، هماهنگی با نیازهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، برنامه‌ریزی، مدیریت و رهبری تحولات اجتماعی فرهنگی و ایفای رسالت فرهنگی جامعه (انتقال و توسعه فرهنگی) در راستای مهندسی فرهنگی جامعه منطبق با هویت اسلامی ایرانی نقش مؤثری ایفا می‌کنند. همچنین کلاک و مارتین (۲۰۰۳) نشان دادند که برنامه‌های فرهنگی در دانشگاه می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد درک متقابل دانشجویان از فرهنگ‌های مختلف داشته باشد و باعث افزایش روحیه مشارکت در آنان شود. شاید یکی از دلایل تفاوت میان دیدگاه‌های استادان و دانشجویان در همین مورد باشد که استادان انتظار دارند برنامه‌های فرهنگی دانشگاه همسو با بحث آموزش باشد و کاربردی بودن این برنامه‌ها برای دانشجویان بیشتر در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، استادان انتظار دارند که برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها با مسائل روز و نیازهای جاری دانشجویان همسو باشد؛ مثلاً مقوله سواد رسانه‌ای از جمله این موارد است که با بحث آموزش در دانشگاه‌ها ارتباط بسیار نزدیکی دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود مراجع ذی‌ربط در حوزه فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها اعم از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، بسیج دانشجویی و انجمن‌های فعال دانشجویی با در نظر گرفتن تمهیداتی برنامه‌های فرهنگی را جذاب و متنوع کنند تا میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها افزایش یابد، چرا که هرچه میزان مشارکت دانشجویان بیشتر باشد، میزان اثربخشی برنامه‌ها بیشتر خواهد شد و این اثربخشی در ابعاد فردی و اجتماعی خواهد بود. در بُعد شخصی هدف «رشد شخصی» است که در این صورت، چنین فردی برای زندگی شخصی برنامه و نظم شخصی دارد. وقتی این‌طور باشد فرد هویت دانشجویی دارد. اگر فرد به این مرحله رسید سبک زندگی‌اش به صورت دانشجویی است، یعنی تمام برنامه‌های دیگر را با محوریت دانشگاه تنظیم می‌کند، حتی پوشش و ظاهر فرد هم پوشش دانشگاهی است و فرد زمان خود را بهتر می‌تواند مدیریت کند و حتی استفاده از اینترنت و دنیای مجازی را هم مدیریت خواهد کرد و در نتیجه نشاط فردی خواهد داشت. در بُعد اجتماعی هدف «رشد اجتماعی» خواهد بود؛ در اینجا دانشجو باید با آداب زندگی دانشجویی آشنا باشد تا بتواند به سازگاری در محیط دانشگاهی برسد. همین‌طور بتواند شرایط را کنترل کند تا دچار حاشیه نشود و از هدف اصلی‌اش فاصله نگیرد؛ شیوه برخورد و رفتار با استادان را بداند تا روابط استاد با دانشجو بر اساس معیار احترام متقابل باشد؛ همین‌طور در خودسازی و تقویت معیارهای اخلاقی از طریق مبادرت به انجام اعمال و فرایض دینی اهتمام ورزد تا از این طریق، رسالت آموزشی و فرهنگی دانشگاه به درستی پیش برود تا دانشجو بعد از فراغت از تحصیل به عنوان یک شهروند فرهنگ‌محور و فردی سودمند وارد جامعه شود.

منابع و مآخذ

اعلایی بوسجن، محسن و حسین بشیری گیوی (۱۳۹۶). «نقش توسعه برنامه‌های فرهنگی اجتماعی دانشگاه پیام نور بر نشاط اجتماعی دانشجویان در سال ۱۳۹۵». **مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، شماره ۳۴: ۵۱-۴۱.

بابایی، محمدباقر و امیر رشیدی و نادى عزیزاده (۱۳۹۰). «ارائه الگوی بومی سنجش اثربخشی در سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی». **مجله مدیریت فرهنگی**، شماره ۱۲: ۶۷-۵۴.

بهرامی، سوسن (۱۳۹۹). **تبیین شاخص‌های فرهنگی در سبک مدیریت اسلامی. ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت**.

بهرامی، سوسن و علی نقی فقیهی و فاطمه عزیزاده (۱۳۹۹). «تأثیر اخلاق کار اسلامی و رفتار شهروندی سازمانی بر بهره‌وری اعضای هیئت علمی و کارکنان زن دانشگاه قم». **پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده**، شماره ۲۰: ۴۹-۲۷.

توسلی، الهام و فائزه تقی‌پور (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر در جهت بهبود فعالیت‌های فرهنگی مدرسه عالی شهید مطهری (دانشگاه شهید مطهری واحد تهران) از دیدگاه دانشجویان». **فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی**، شماره ۳: ۳۵-۲۵.

دادوند، حسن (۱۳۹۴). **اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی از دیدگاه دانشجویان آموزش‌دیده فنی و حرفه‌ای امیرکبیر اراک. تهران: پنجمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت با رویکردهای کاربردی و پژوهش نوین**.

دلبری، سید مهدی و ولی‌الله رضائی (۱۳۹۴). «مطالعه عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه و پویایی در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دانشجویان». **مهندسی فرهنگی**، شماره ۸۴: ۶۳-۴۲.

ذکایی، محمدسعید و ابوتراب طالبی و علی انتظاری (۱۳۹۶). «مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی». **جامعه‌پژوهی فرهنگی**، شماره ۱: ۴۵-۲۳.

رشیدی، حمیدرضا و سید ابراهیم میرشاه جعفری و مصطفی شریف خلیفه سلطانی (۱۳۸۴). «بررسی روند برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌های دولتی اصفهان طی برنامه دوم و سوم توسعه کشور». **مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی**، شماره ۱: ۲۲۰-۱۹۹.

رنجبران، داود (۱۳۹۴). «بررسی میزان تفاوت توانایی بالقوه و بالفعل تشکل‌های دانشجویی در تأثیرگذاری مهندسی فرهنگی در دانشگاه از نگاه دانشجویان». **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، شماره ۱۴: ۵۴-۳۷.

سلیمی، محمد و سید رضا صالحی امیری (۱۳۹۳). «الگوی مطلوب از شاخص‌های سنجش امور فرهنگی در رسانه ملی». **فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی**، شماره ۱۴: ۸۶-۵۷.

صافی، احمد (۱۳۹۳). **آموزش و پرورش ابتدایی، دوره اول و دوم متوسطه**. تهران: انتشارات سمت.

صالح عمران، ابراهیم و حجت صفار حیدری (۱۳۹۳). **بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه مازندران**

- نسبت به فعالیت‌های فرهنگی و هنری و میزان مشارکت آن‌ها در این فعالیت‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه مازندران.
- عبدی زرین، سهراب (۱۳۹۷). **دین و سلامت روان (با رویکرد روان‌شناسی سلامت)**. قم: انتشارات دانشگاه قم.
- عبدی زرین، سهراب و علی نقی فقیهی و محمدرضا ضمیری (۱۳۹۷). «نقش دینداری در سلامت روان، هویت‌یابی و امنیت اجتماعی دانشجویان دانشگاه قم». **مطالعات ملی**، شماره ۳: ۱۲۲-۹۹.
- فاضل‌نیا، غریب و مرتضی توکلی و کاظم تاجبخش (۱۳۸۹). «ارزیابی برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم». **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۳: ۱۷۷-۱۴۹.
- فرزانه، عبدالحمید و مرگان امیریان‌زاده (۱۳۹۵). «میزان اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی فارس از دیدگاه دانشجویان». **فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، شماره ۲۷: ۱۶۳-۱۷۸.
- فولادیان، مجید و حسن رضایی بحرآباد و محسن سوهانیان حقیقی (۱۳۹۹). «بررسی تحولات هویت جوانان ایرانی (۱۳۹۴-۱۳۵۳)». **فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ ارتباطات**، شماره ۸۱: ۱۴۷، ۱۷۹.
- قائدعلی، حمیدرضا و حسین جوان آراسته (۱۳۹۴). «فعالیت فرهنگی به مثابه امر به معروف و نهی از منکر». **مهندسی فرهنگی**، شماره ۸۵: ۱۰۸-۹۲.
- قائدعلی، حمیدرضا و مهدی عاشوری (۱۳۹۳). «مشکلات و کاستی‌های اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه». **پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی**، شماره ۹: ۱۹۰-۱۶۹.
- کرشی، مسعود و ناهید ده‌پناه و سحر حیدری (۱۳۹۵). بررسی نقش تربیت در ترویج فرهنگ و توسعه سبک زندگی اسلامی ایرانی دانش‌آموزان. **کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و علوم رفتاری**.
- محمدی وفا، محمد و مصطفی باقری (۱۳۹۴). مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی. **دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران**.
- مذبوحی، سعید و حسن ملکی (۱۳۹۱). «الگوی مطلوب فرهنگ دانشجویی در قرآن». **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، شماره ۱: ۱۴۹-۱۶۸.
- مشکاتی، علیرضا (۱۳۸۷). **ارزیابی برنامه‌های مدیریت فرهنگی و فوق برنامه دانشگاه فردوسی مشهد با استفاده از الگوی سیپ (Cipp)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت آموزشی)، دانشگاه فردوسی مشهد.
- منافی شرف‌آباد، کاظم و الهام زمانی (۱۳۹۲). «نقش نظام آموزش عالی در مهندسی فرهنگی جامعه». **مهندسی فرهنگی**، شماره ۷۷: ۱۲۷-۱۰۲.

نیک‌کار، ملیحه و فرزانه فرزین و رکن‌الدین احمدی لاری (۱۳۸۴). «بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه شیراز نسبت به برنامه‌های فرهنگی و هنری و عوامل مؤثر بر شرکت آن‌ها در این‌گونه فعالیت‌ها». **مجله علوم اجتماعی و انسانی**، شماره ۴۵: ۱۴-۱.

هاشم زهی، نوروز و بهروز میرزا و آذررشتیانی (۱۳۹۰). «عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی دانشگاه (مقایسه دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق با دانشگاه دولتی شهید بهشتی)». **مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، شماره ۱۳: ۹۹-۱۱۱.

Babbie, E. R. (2020). **The practice of social research**. Cengage learning.

Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2017). **Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches**. Sage publications.

De Wit, H. (2002). **Internationalization of higher education in the United States of America and Europe: A historical, comparative, and conceptual analysis**. Greenwood Publishing Group.

Dublin. Public Communication Center. (2004). **Street Survey on Young People: Awareness & Participation in Arts & Culture**. Available at: <https://b2n.ir/f13619>

Klak, T., & Martin, P. (2003). Do university-sponsored international cultural events help students to appreciate "difference"? **International journal of intercultural relations**, 27(4), 445-465. Available at: [https://doi.org/10.1016/S0147-1767\(03\)00033-6](https://doi.org/10.1016/S0147-1767(03)00033-6)

Miles, S., Anderson, A., & Meethan, K. (2002). **The changing consumer: markets and meanings**. London: New York: Routledge.

Sathish, S., & Rajmohan, A. (2012). 'Consumer Behaviour and lifestyle Marketing'. **International Journal of Marketing, Financial Services & Management Research**, 1(10), 152-166.

Schein, E. (2010). **Organizational Culture and leadership**. USA: Wiley, Joddey Bass.

.Spencer-Oatey, H. (Ed.). (2008). **Culturally speaking second edition: Culture, communication and politeness theory**. Bloomsbury Publishing.